

نامزدی

دکتر عبدالرسول دیانی (وکیل پایه یک دادگستری و استادیار دانشگاه آزاد واحد تهران شمال و تهران مرکز)

(قسمت پایانی)

الف- تعهد به ازدواج در آینده به صورت یک تعهد مستقل
تعهد مستقل که فقها به آن شرط ابتدایی می گویند، به تعهدی گفته می شود که ضمن عقد لازم دیگری نیاید و صحت و لزوم خود را مدیون مواد (۱۰ و ۲۲۳ و ۲۱۹) قانون مدنی است؛ یعنی، همان طور که شخص می تواند متعهد به بیع، خرید، اجاره و استجاره شود، بتواند متعهد به جاری نمودن صیغه ایجاب و یا قبول عقد ازدواج نماید. باید گفت که اگر وفق قواعد عمومی مربوط به تعهدات به فعل بخواهیم عمل نماییم، تعهد به ازدواج مثل سایر تعهدات به فعل، مشروع خواهد بود و ضمانت اجرای آن همان الزام به مفاد شرط فعل و در هنگام تعذر الزام جبران خسارت وارد شده خواهد بود. البته شکی نیست که ضمانت اجرای دوم از تعهدات به

کافی بر عواقب و آثار آن ممکن است نتایج شومی به دنبال داشته باشد، قانونگذار به خواستگاران اجازه داده است تا زمانی که صریحاً خود را با جاری ساختن صیغه ازدواج متعهد نساخته اند، بتوانند از تصمیم خود باز گردند.

اما معمولاً برای فرار از الزام آور نمودن وعده ازدواج در آینده تمهیداتی اندیشیده می شود که آنها را به طور جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم.

قسمت اول- تمهیدات اندیشیده شده برای الزام آور نمودن تعهد به ازدواج
الزام آور نبودن تعهد به ازدواج موجب گردیده که مشاوران حقوقی راههای متفاوتی را برای الزام آور نمودن تعهد به ازدواج پیش بینی نمایند که هر کدام را به طور مستقل مورد بررسی قرار می دهیم

بخش دوم - آثار نامزدی

مهم ترین بحثی که در قسمت آثار نامزدی به آن خواهیم پرداخت، بررسی مسئله الزام آور بودن تعهد به ازدواج در آینده است. ماده (۱۰۳۵) قانون مدنی بدون ارائه تعریفی از نامزدی مقرر می دارد: «وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی کند، اگر چه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخت شده باشد. بنابر این، هر کدام از زن و مرد می توانند مادام که عقد نکاح جاری نشده باشد از وصلت امتناع کنند و طرف دیگر نمی تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت، مطالبه خسارتی نماید.»
از آنجا که ازدواج، قرارداد مهمی است که می تواند سرنوشت یک عمر زوجین و یا افراد دیگری را رقم زند، و در صورت عدم دقت

فعل در جایی که موضوع تعهد ازدواج در آینده باشد متصور نیست؛ یعنی نمی توان تصور نمود که انجام تعهد به ازدواج از ثالث امکان پذیر باشد زیرا در ازدواج شخصیت طرفین علت عمده عقد است.

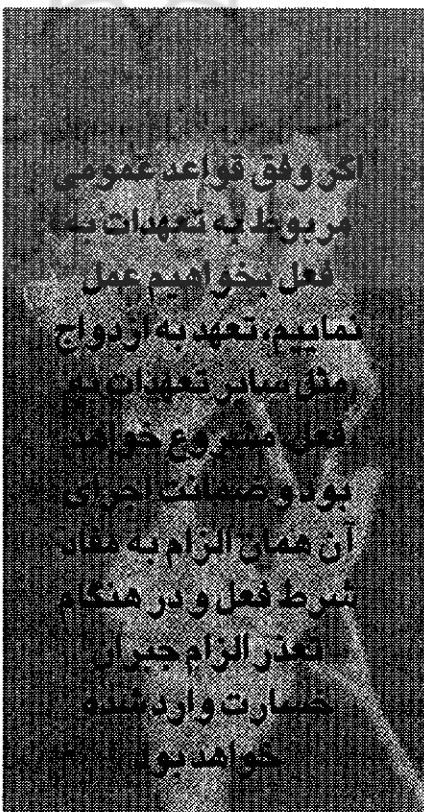
سؤال این است که آیا قواعد عمومی را می توان در مورد تعهد به ازدواج نیز جاری ساخت؟

جواب منفی است و نص ماده (۱۰۳۵) قانون مدنی این کار را منع می سازد. نباید معتقد شد منظور ماده (۱۰۳۵) مورد وعده ازدواج است و نه تعهد به ازدواج؛ زیرا اگر منظور ماده (۱۰۳۵) وعده اخلاقی صرف بود جای این سؤال بود که وعده کدام عقد الزام آور است که قانونگذار لازم دیده وعده ازدواج را از قانون کلی مستثنا سازد؟ مگر وعده اجاره و یا وعده بیع الزامی بر فروشنده و موجر بار می نماید که بنا به حکم این ماده بگوییم وعده ازدواج چنین تعهدی را بار نمی نماید؟ پس به نظر ما ماده (۱۰۳۵) فراتر از یک وعده اخلاقی صرف را مد نظر دارد و می خواهد هرگونه تعهد به ازدواج را فاقد نیروی الزام آور بداند. در نتیجه، اگر موضوع تعهد ازدواج در آینده باشد، الزامی بر طرفین متعاقدين ایجاد نمی نماید. به علاوه، بابت عدم انجام چنین تعهدی خسارت نیز نمی توان مطالبه نمود. از اینجا وجه افتراق این نظر با عقیده کسانی که تعهد به ازدواج در آینده را نوعی عقد جایز دانسته اند^(۱) آشکار می گردد. باید دانست در عقد جایز نیروی الزام آور وجود دارد؛ ولی این نیرو بنا به اراده یکی از طرفین قابل زوال است و تا زمانی که اراده یکی از طرفین منجزاً بر فسخ عقد جایز استوار نشده، تعهدات مندرج در چنین عقدی گریبان گیر طرفین خواهد بود. یعنی، اگر یکی از طرفین عقد جایز نخواهد مفاد عقد را محترم بشمارد، ابتدائاً باید آن را فسخ نماید تا متعاقباً بتواند از تعهدات مندرج در عقد جایز شانه خالی کند. این در حالی است که تعهد به ازدواج در آینده

از نیروی الزام آور بنا به حکم قانون محروم مانده است. با این حساب، ماده (۱۰۳۵)، جوهره تعهد که همان نیروی الزام آور باشد را از چنین تعهد بخصوصی سلب نموده است و لذا تعهد به ازدواج در آینده نمی تواند عقد جایز قلمداد گردد و از این رو هیچ الزامی بر طرفین ایجاد نمی نماید.

ب- تعهد به ازدواج در آینده به صورت شرط فعل در ضمن عقد لازم

قبل از هر مطلب باید متذکر شد که چنانچه تعهد به ازدواج بتواند در ضمن عقد دیگری نافذ باشد، باید به صورت شرط فعل بیاید؛ زیرا مقتضای عقد نکاح را نمی توان در ضمن عقد دیگری به صورت شرط نتیجه آورد. عقد نکاح از نظر لزوم بیان صیغه -که یکی از اجزای علت تامه تحقق آن در عالم خارج بشمار می رود- تشریفاتی می باشد و با ایجاد آن، سبب خاص وفق ماده (۲۳۶) قانون مدنی محقق می گردد. به هر حال، برخی از حقوقدانان برای الزام آور نمودن تعهد به ازدواج در آینده چنین راه حلی ارائه داده اند که باید



آن را در ضمن عقد لازم دیگری به صورت شرط فعل آورد تا الزام عقد به شرط نیز سرایت کند؛ زیرا شرط از حیث جواز و لزوم تابع عقد اصلی است. این عده نهایتاً چنین نتیجه گرفته اند که چنانچه نامزد به میل خود نسبت به انعقاد عقد نکاح اقدامی انجام ندهد، از طرف دادگاه ملزم به انجام می گردد و هر گاه امتناع نماید، به وسیله مأمور دادگاه، عقد ازدواج منعقد می گردد^(۲). ما با همان استدلالی که در مورد تعهد به ازدواج به صورت شرط ابتدایی آورده ایم، در اینجا نیز معتقدیم که تعهد به ازدواج به دلیل برخوردار نبودن از نیروی الزام آور نمی تواند یکی از نامزدها را مجبور به انجام مفاد تعهد خود نماید. از این رو، اگر فردی حتی در ضمن عقد دیگری خود را متعهد به ازدواج کردن با فردی کرده باشد، الزام قضائی بر اجرای مفاد این شرط وجود ندارد؛ هر چند وفق ماده (۲۳۷) قانون مدنی، در مورد شرط فعل راه حل اساسی اجبار مشروط علیه به انجام مفاد شرط باشد. این اجبار با فلسفه جعل ماده (۱۰۳۵) نیز در تعارض است؛ زیرا کافی است کسی که از الزام به ازدواج سود می برد با کسب نظر بدوی یک مشاور حقوقی با یک طرفند حقوقی مناسب این تعهد را در ضمن یک عقد لازم درج نماید و به تدریج تعدد موارد و گذشت زمان ماهیت این تعهد را به صورت یک تعهد الزام آور در بیاورد.

اما نباید از الزام آور نبودن چنین تعهدی نتیجه گرفت که مثل شرط ننوشته بی اثر بوده و یا صرفاً یک تعهد اخلاقی تلقی می شود، بلکه کسی که از عدم انجام شرط متضرر شده، می تواند عقد اصلی را به جهت خیار تخلف شرط، فسخ کند و از این نظر شرط مزبور اثر حقوقی دارد. بنابراین، اگر به حکم قانون، اولین ضمانت اجرای شرط فعل با مفاد ازدواج در آینده که همان اجبار ملتزم به انجام مفاد شرط باشد قابل تحقق نباشد و دومین ضمانت اجرای این تعهد نیز به دلیل

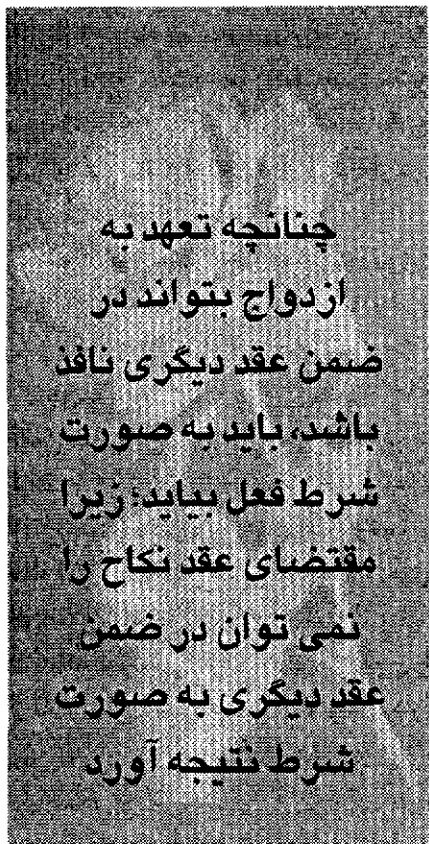
شخصیت متعهد قابل انجام توسط ثالث نباشد، باید به ضمانت اجرای سوم روی آورد و به متعهد له حق داد که بتواند عقد اصلی را به دلیل عدم امکان تحقق شرط فسخ نماید. البته همان طور که گفته شد، این نظر نیز مبتنی بر این است که وعده ازدواج را با تعهد به ازدواج دو امر جداگانه بدانیم که حق نیز همین است^(۳)؛ زیرا وعده، بیشتر به تعهدات اخلاقی بار می‌شود، در حالی که تعهد، شکل الزام آورتر از وعده بوده و ضمانت اجرایی قانونی نیز دارد. در قانون مدنی سوئیس که قانون ما از آن الهام گرفته است، نیز از واژه "Promesse" استفاده شده که از فعل "Promettre" به معنای وعده دادن و امیدوار نمودن گرفته شده است^(۴)؛ در حالی که برای تعهد، واژه "Obligation" مشتق از فعل "Obliger" را داریم که به معنای ملزم کردن فرد به یک قانون یا یک قرارداد می‌باشد^(۵).

از این رو، اگر به صورت شرط فعل، یکی از زوجین خود را ملزم به انعقاد عقد ازدواج نموده باشد، در حدود ماده (۱۰) قانون مدنی که قراردادهای خصوصی را در صورت عدم مخالفت با قانون یا اخلاق حسنه و نظم عمومی نافذ و دارای اثر می‌داند، چنین تعهدی الزام آور می‌باشد؛ با این تفاوت که در اینجا بر خلاف ماده (۲۳۷)، الزام و اجبار قضائی بر انجام مفاد شرط فعل وجود نخواهد داشت. با این حساب، نامزدی صرفاً یک تعهد اخلاقی نیست^(۶)؛ زیرا در تعهدات اخلاقی، شرمساری در مقابل وجدان و یا خداوند تنها ضمانت اجرای آنهاست. در حالی که برای برهم زدن تعهد به ازدواج آثار حقوقی بار گردیده است و اصولاً جای تعهدات اخلاقی در کتب اخلاق است، نه قانون^(۲۳). به هر حال، هرچند ما نیز معتقدیم نامزدی نوعی اعلام آمادگی برای ایجاد خانواده و التزام به همسر یکدیگر شدن نیز هست^(۸)؛ ولی این التزام از ناحیه خود تعهد نیست، بلکه به دلیل اندراج

آن در ضمن عقد لازم دیگر است که آن هم تنها می‌تواند منجر به فسخ عقد اصلی شود.
ج- جعل وجه التزام برای تخلف از مفاد تعهد به ازدواج

یکی از راه‌های دیگری که برای الزام و التزام به تعهد به ازدواج بدان روی آورده می‌شود، جعل وجه التزام در صورت تخلف یکی از نامزدها از مفاد این تعهد است. وجه التزام یعنی پیش بینی قراردادی با حداکثر میزان خسارتی که از ناحیه عدم انجام یک تعهد می‌تواند به طرف دیگر وارد آید. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان برای یک تعهد فاقد نیروی الزام آور، وجه التزام قرار داد و به طور غیر مستقیم متعهد را ملزم به انجام تعهد به ازدواج نمود. برخی از حقوقدانان معتقد شده اند قراردادان وجه التزام ایرادی ندارد^(۹). برخی دیگر در صورت پیش بینی وجه التزام، پرداخت آن را اجباری ندانسته اند^(۱۰). ماده (۹۱) بند دو

قانون مدنی سوئیس در تأیید این نظر اخیر مقرر می‌دارد: "اجرای مجازات قراردادی که (به صورت وجه التزام) در قرارداد درج شده است، نمی‌تواند مطالبه شود." به نظر ما نیز دعوی خسارت به دلیل عدم انجام این تعهد، چه در قالب وجه التزام و یا در غیر آن، الزامی برای بر هم زدن نامزدی نخواهد داشت. البته بد نیست به نظر عده‌ای نیز اشاره نماییم که معتقد شده اند به جهت امتناع از وصلت نمی‌توان وجه التزام را معتبر دانست، بلکه تنها در صورتی وجه التزام معتبر است که برهم خوردن نامزدی بدون عذر موجه باشد، و دادرس باید با بررسی اوضاع و احوال، اراده مشترک را احراز نماید و در صورت شک در این خصوص، وفق ماده (۲۲۳) قانون مدنی عمل حقوقی را حمل بر صحت نماید و برای زیان دیده حق مطالبه وجه التزام را قائل گردد^(۱۱). با این حال، قانونگذار مقرر داشته در صورتی که یکی از طرفین در برهم زدن عقد مقصر بوده باشد، برای طرف دیگر



حق مطالبه خسارت وجود خواهد داشت.
قسمت دوم - مسئولیت مدنی برهم زنده و متخلف از تعهد به ازدواج
مسئولیت مدنی کسی که بنا به اختیار نامزدی را بر هم می‌زند، در حالات مختلف، متفاوت می‌باشد.

اگر اصل نامزدی ناشی از حيله و اکراه بوده و احتمالاً منجر به ازاله بکارت دختر نیز شده باشد، علاوه بر مجازات مدنی، مرتکب مشمول ماده (۹) قانون مسئولیت مدنی مصوب ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ نیز خواهد شد که مقرر می‌دارد: «دختری که در اثر اعمال حيله یا تهديد و یا سوء استفاده از زیر دست بودن حاضر به همخوابگی نامشروع شده، می‌تواند از مرتکب علاوه بر زیان مادی مطالبه زیان معنوی هم بنماید.»

وفق ماده (۱۰) همین قانون، کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود، می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی

خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید. با این حساب، در صورتی که زوج با سوء نیت مباردت به اغفال دختر نموده باشد، ضمن اینکه باید کلیه خسارتهای مادی را بپردازد، جبران خسارتهای معنوی نیز بر وی لازم خواهد بود.

اما چنانچه قصد سوپی در کار نباشد؛ یعنی ابتدائاً قصد ازدواج در کار باشد، ولی بنا به دلایلی ازدواج در آینده با مانع مواجه گردد، بحث جبران خسارت به گونه ای دیگر قابل طرح است. در این رابطه لازم است به ماده (۱۰۳۶) قانون مدنی منسوخ اشاره نموده و ببینیم در شرایط فعلی آیا خسارتهای وارد شده قابل جبران هست یا نه؟

در مورد خسارت های وارد شده در اثر برهم خوردن نامزدی، قانون مدنی قبل از اصلاحات سال ۱۳۷۰، در ماده (۱۰۳۶) مقرر می‌داشت: «اگر یکی از نامزدها وصلت منظور را بدون عذر موجهی بر هم زند در حالی که طرف مقابل یا ابوبین او یا اشخاص دیگر به اعتماد وقوع ازدواج مغرور شده و مخارجی کرده باشند، طرفی که وصلت را بر هم زده است باید از عهده خسارت های وارد شده برآید؛ ولی خسارت های مزبور فقط مربوط به مخارج متعارفه خواهد بود». اما این ماده در اصلاحات سال ۱۳۷۰ حذف شد و حال این مسئله مطرح است که آیا وفق مواد مربوط به مسئولیت مدنی، می‌توان نامزدها را موظف به جبران خسارت های وارد شده در اثر برهم زدن نامزدی نمود یا خیر؟

در فقدان قانون مصرح در مورد خسارتهای وارد شده، به نظر می‌رسد بر مبنای قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی بتوان طرفی را که بدون عذر موجه، طرف دیگر خود را در امر ازدواج مغرور نموده و به این

وسيله به او خسارت وارده کرده، مکلف به جبران خسارت نمود و برای طرح چنین مسئولیتی باید خطای طرف مقابل به اثبات برسد. لذا اگر نامزدی به دلیل عذر موجهی مثل کشف ارتباط نامشروع یکی از زوجین، سابقه محکومیت کیفری و یا اعتیاد به هم بخورد، مسئولیتی متوجه طرف مقابل نخواهد شد.

قسمت سوم - نوع خسارت های قابل جبران به دلیل برهم خوردن نامزدی

همان طور که ذکر شد، هر کدام از نامزدها می‌توانند از انجام وصلت منظور خودداری نمایند چه این امر علت موجهی داشته باشد، چه بدون علت موجه باشد. با این حال، وفق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی، در صورتی که بر هم خوردن نامزدی ناشی از خطای یکی از زوجین باشد، با موردی که ناشی از خطای زوجین نباشد، دو حکم متفاوت دارد.

- اگر امتناع از وصلت دارای عذر موجهی باشد (مثلاً معلوم گردد که یکی از نامزدها معتاد به مواد مخدر است یا با دیگری رابطه نامشروع داشته یا سابقه محکومیت کیفری دارد)، کسی که وصلت مزبور را برهم زده، مسئول جبران خسارتهای نامی باشد؛ هر چند به نظر می‌رسد وفق بند اول ماده (۱۰۳۷) قانون مدنی، نامزدها در خصوص بازپس دادن عین هدایای موجود که از همدیگر گرفته اند یا به اولیاء طرف مقابل پرداخته اند، مسئول باشند. این بند می‌گوید: «هریک از نامزدها می‌تواند در صورت برهم خوردن وصلت منظور، هدایایی را که به طرف دیگر یا ابوبین او برای وصلت مزبور داده است، مطالبه کند.»

- ولی اگر امتناع از وصلت مزبور علت موجهی نداشته، متمتع باید علاوه بر استرداد هدایا، خسارت های طرف مقابل را نیز جبران نماید؛ زیرا او سبب ایراد خسارت به طرف دیگر شده است. وفق بند "۲" ماده

(۱۰۳۷) قانون مدنی: «اگر عین هدایا موجود نباشند، مستحق قیمت هدایایی خواهند بود که عادتاً نگاه داشته می‌شوند مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر طرف مقابل تلف شده باشد.»

عمدتاً افرادی می‌توانند مطالبه خسارت نمایند که به طور مستقیم از عدم وصلت مزبور خسارت بینند. بنابراین فقط خود نامزدها و ابوبین و اقربای نزدیک آنها می‌توانند مدعی ورود خسارت به خود شوند. مثلاً اگر کسی به اعتبار اینکه مردی دختر فلان تاجر متمول بازار را نامزد کرده، به او وام بدهد و سپس در اثر برهم خوردن وصلت مزبور، وام گیرنده نتواند از عهده بازپرداخت وام خود بر آید، وام دهنده نمی‌تواند علیه کسی که نامزدی را بر هم زده، ادعای خسارت نماید.

مبنای استدلال به بازپرداخت خسارت، قاعده عمومی دارا شدن بلاجهت یا داراشدن بلا سبب می‌باشد. در حقیقت، آنچه یکی از

اگر به صورت شرط فعل، یکی از زوجین خود را ملزم به انعقاد عقد ازدواج نموده باشد، در حدود ماده (۱۰) قانون مدنی که قراردادهای خصوصی را در صورت عدم مخالفت با قانون یا اخلاق حسنه و نظم عمومی نافذ و دارای اثر می‌داند، چنین تعهدی الزام آور می‌باشد؛ با این تفاوت که در اینجا بر خلاف ماده (۲۳۷)، الزام و اجبار قضائی بر انجام مفاد شرط فعل وجود نخواهد داشت

نامزدها از طرف دیگر به عنوان هدیه گرفته، بدون سبب در دارایی او داخل گردیده است. پس باید در صورت بقای عین، آن را به صاحبش مسترد دارد و اگر عین موجود نیست، باید مثل یا قیمت آن را بدهد، مگر اینکه بدون تقصیر او تلف شده باشد.

در خصوص اشیایی که عادتاً مصرفی هستند، مثل خوراکیها، جوراب، لباس و امثال آنها، نمی‌توان هدیه گیرنده را مجبور به پرداخت مثل و یا قیمت نمود؛ زیرا استفاده از این اشیا بر طرف مقابل مباح گردانده شده‌اند و اباحه در تصرف در چنین اشیایی، با تلف کردن آنها مقرون است^(۱۲).

در خصوص میزان خسارتهای قابل مطالبه باید گفت، منظور هزینه‌های معمول و متعارفی است که برای انجام وصلت مزبور می‌شود؛ مثل اجاره کردن خانه و دوختن لباس و امثال آن. پس حتی افرادی که قانوناً حق مطالبه دارند مثل عموی زن، اگر به اعتبار وصلت آینده، هزینه مسافرت تفریحی خارجی که از حدود متعارف خارج است را پرداخته باشد، مستحق هیچ چیزی نیست. نامه‌ها و عکسهایی که طرفین برای همدیگر ارسال نموده‌اند در صورت بقا، قابل استرداد است؛ ولی بابت تلف آنها نمی‌توان مطالبه خسارت نمود^(۱۳). اگر یکی از نامزدها پس از برهم خوردن نامزدی از آنها سوء استفاده نماید، وفق مواد مربوط به مسئولیت مدنی، مکلف به جبران خسارت می‌باشد^(۱۴).

در مورد خسارتهای معنوی، قانون ایران موادی را به خود اختصاص نداده است؛ در حالی که معمولاً در ایران و با توجه به فرهنگ عمومی، خسارتهای معنوی، عمده خسارتهای وارد شده بر زن را تشکیل می‌دهند. به نظر می‌رسد بتوان این گونه خسارتهای را همچنان که در قانون مدنی سوئیس در ماده (۹۳) شناخته شده، برای نامزدها و بخصوص برای زن قابل مطالبه دانست؛ زیرا نبودن حکمی در شرع در خصوص خسارتهای معنوی،

ملازمه با مخالفت شرع با امکان درخواست این خسارتهای را ندارد.

خسارتهای معنوی، شامل رنج روحی و بی‌اعتباری اجتماعی فردی که نامزدی اش برهم خورده می‌باشد. البته اگر در اثر برهم خوردن نامزدی، طرف دیگر دچار بیماری روحی بشود، قطعاً طرف دیگر مسئول جبران خسارت می‌باشد. حتی اگر قائل به جبران خسارات معنوی نباشیم؛ زیرا چنین خسارتی، خسارت معنوی اصطلاحی نیست، بلکه نوعی صدمه جسمی است که مستقیماً ناشی از برهم زدن نامزدی است. شایان گفتن است، دو ماده (۱ و ۹) قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، جبران خسارتهای معنوی را به نداشتن عذر موجه و تقصیر یکی از نامزدها در برهم زدن نامزدی مشروط نموده است. البته شاید بتوان معتقد شد که اگر تنها طریق جبران خسارت معنوی الزام نامزدها به ازدواج باشد، چنین الزامی توسط دادگاه منعی ندارد.

فصل چهارم - انحلال نامزدی در صورت فوت یکی از نامزدها

همچنان که عقد ازدواج با فوت یکی از طرفین منفسخ می‌گردد، موجب برهم خوردن نامزدی نیز می‌شود. در این صورت، وفق ماده (۱۰۳۸) قانون مدنی، نامزد دیگر فقط در خصوص عین هدایایی که نزد طرف دیگر موجود است، مسئول می‌باشد؛ اما قیمت هدایایی که یکی از نامزدها به دیگری داده و نزد او موجود نیست، مطالبه نخواهد شد، اگر چه در اثر تقصیر او تلف شده باشد. در این خصوص، ماده (۱۰۳۸) قانون مدنی تصریح دارد به اینکه: «مفاد ماده (۱۰۳۷) از حیث رجوع به قیمت در موردی که وصلت منظور در اثر فوت یکی از نامزدها برهم بخورد، مجری نخواهد بود.»

شایان گفتن است، اگر چیزی به عنوان مهریه به زن داده شده است، قابل استرداد می‌باشد؛ زیرا مهریه جزو هدایا محسوب

نمی‌گردد.

در پایان متذکر می‌گردیم که هر چند در قانون مدنی بنا بر این بوده که ابتدائاً یک سری اصول کلی و قواعد عمومی را در ابتدا آورده و آنگاه حسب مورد و بر اساس شرایط منحصر به فرد هر عقد، قواعد استثنایی را متذکر شود، اما در خصوص نامزدی از این اصل تخلف شده است؛ یعنی بجای اینکه قواعد استثنایی در جهت تضییق و یا توسیع یا توضیح یا تطبیق آن قواعد کلی باشند، برعکس، موجب ابهام و یا تکرار مطالب قبلی شده‌اند. با اینکه حتی تأکید قواعد عمومی در صورتی که امری موجب تردید نباشد، ضرورتی نداشت.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- دکتر ناصر کتوزیان، حقوق خانواده یک جلدی
- ۲- دکتر حسن امامی، منبع فوق ص ۲۷۱
- ۳- برای ملاحظه نظر مخالف نگاه کنید به: دکتر ناصر کتوزیان، حقوق خانواده ج ۱ ص ۱۸ و برای نظر موافق دکتر حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۴ ص ۲۷۱ و دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، حقوق خانواده ص ۷ به بعد
- ۴- دایره المعارف فرانسوی لاروس، ۲۲ جلدی، چاپ فرانس لوژییر، ذیل واژه Promette در زبان عرب نیز وعده به معنای امید خیر داشتن از کسی یا چیزی می‌باشد. وعده در این معنا، در مقابل وعید به معنای تهدید نمودن می‌باشد. رجوع کنید به المنجد ذیل واژه وعده
- ۵- دایره المعارف فرانسوی لاروس، ذیل واژه "Obliger"
- ۶- برای نظر مخالف نگاه کنید به: دکتر حسن امامی، حقوق مدنی، جلد ۴، ص ۱۷۰
- ۷- دکتر سید حسین صفایی و دکتر اسدالله امامی، حقوق خانواده ج ۱ ص ۲۰
- ۸- دکتر ناصر کتوزیان، حقوق خانواده ج ۱ ص ۳۹
- ۹- برای نظر موافق نگاه کنید به: دکتر حسن امامی، حقوق مدنی، جلد ۴، ص ۲۷۱
- ۱۰- دکتر کتوزیان، حقوق خانواده ج ۱ ص ۲۰
- ۱۱- دکتر سید حسین صفایی و دکتر اسدالله امامی، حقوق خانواده ج ۱ ص ۳۰
- ۱۲- دکتر ناصر کتوزیان، حقوق خانواده، ج ۱ ص ۲۵.
- دکتر سید حسین امامی، همان مصدر ۲۷۴ و ۲۷۵.
- ۱۳- دکتر کتوزیان، همان کتبه ش ۳۹.
- ۱۴- دکتر سید حسین صفایی و دکتر اسدالله امامی، حقوق خانواده ج ۱ ص ۳۳.